

آموزه‌های قیام عاشورا

عاشورای حسینی که مظهر نبرد حق با باطل و رویارویی لشکر ایمان با لشکر کفر بود؛ رویداد کوچکی نبود که با مرور زمان کمرنگ شده و به دست فراموشی سپرده شود. بلکه یک قیام الهی بود که هر چه زمان بگذرد، تبلور بیشتری پیدا کرده و آموزه‌های آن روشن‌تر می‌گردد.

قیام حسین بن علی علیه السلام قیام شخصیت عظیمی بود که از عصاره وحی الهی تغذیه، و در خاندان سید رسل - محمد مصطفی صلی الله علیه و آله - و سید اولیا - علی مرتضی علیه السلام - تربیت یافته بود و در دامان پاک صدیقه طاهره علیها السلام بزرگ شده بود. او با فداکاری خود، نهضتی بزرگ پدید آورد که کاخ ستمگران را فرو ریخت و به نسل‌های آینده درس‌هایی آموخت. درباره قیام حسینی از جهات گوناگونی می‌توان سخن گفت. ما، در این گفتار کوتاه پیام‌های تربیتی و رفتاری آن قیام را به گونه‌ای موجز بیان می‌کنیم:

۱. پیام آزادگی

در این جا آزادگی به معنای رهایی از قید و بند اخلاقی نیست. این نوع آزادگی در حقیقت نوعی بندگی نفس و تمنیات اوست. بلکه مقصود این است که انسان زیر بار ظلم نرود و به خاطر فشار ستمگران، تسلیم زورگویان نشود و با آزادگی و سرافرازی زندگی

کند. امام حسین علیه السلام در تمام دوران زندگی، با عزت و سرفرازی به سر برد و از جوانی، با این ویژگی مشهور بود و او را از «إبابة الضمیم» (کسانی که زیر بار ظلم نمی روند) می شمردند^(۱).

از سخنان ماندگار او در مورد عزت و آزادگی این است:

«مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي الذُّلِّ»^(۲): «مرگ با عزت بهتر از حیات ذلیلانه است».

این نگرش در عاشورای حسینی به خوبی جلوه گر است؛ زیرا دشمن به او می گفت: یا ذلیلانه به سوی بیعت دست دراز کن و یا آماده مرگ باش. امام در پاسخ آنها گفت:

«لَا وَاللَّهِ لَا أَغْلَبِيهِمْ بِنِدَىٰ إِعْطَاءِ الدَّلِيلِ وَلَا أَقْرَأُ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ»^(۳).

«به خدا سوگند! نه دست ذلت به آنها می دهم و نه چون بردگان تسلیم حکومت آنان

می شوم».

و نیز در سخن سومی، آزادگی خود را چنین بیان کرد:

«أَلَا وَإِنَّ الدَّعَىٰ ابْنَ الدَّعَىٰ قَدْ زَكَزَكَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالدَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَ الدَّلَّةِ»^(۴).

«حرام زاده پسر حرام زاده (ابن زیاد) مرا بین دو مطلب مخیر ساخت: به استقبال شمشیرهای برهنه بروم و یا ذلت را بپذیرم. چقدر دور است ذلت از ما».

چه ذلتی بالاتر از این که حسین بن علی علیه السلام دست یزید را به عنوان بیعت بفشارد و بر منکرات او صحه بگذارد؛ به بهای این که چند روزی بیشتر زنده بماند. چه بهتر این که زندگی ذلیلانه را رها سازد و رشای حق را بخرد. این است معنای آزادگی.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۴۹.

۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۸.

۳. از کلمات امام حسین علیه السلام، ص ۴۴.

۴. لهوف، سید بن طاووس، ص ۵۷.

۲. ایثار و از خودگذشتگی

یکی از صفات منیع مردان بزرگ، ایثار و فداکاری است. یعنی در عین نیاز به آنچه در دست دارند، دیگران را بر خود مقدم می‌دارند. قرآن یکی از صفات بارز افراد باایمان را ایثار می‌شمارد:

«وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^(۱).

«در چیزهایی که خود به آن نیاز مبرم دارند، دیگران را بر خود مقدم می‌دارند».

ایثار، گاهی به مال است و گاهی با جان؛ و هر دو در پیشگاه خدا ارزش والایی دارد؛ اما آن حضرت هرچه داشت در طبق اخلاص نهاد و جان خود و فرزندان و بستگان را در راه خدا داد و زبان حال او در گفتار شاعری به خوبی منعکس است:

إِن كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَّمْ يَسْتَقِمَّ إِلَّا بِقَتْلِي، يَا سُيُوفَ خُدَيْبِي

«هرگاه بقا و ثبات آیین جدم جز با اهدای خون من پابرجا نخواهد ماند ای شمشیرهای دشمن مرا بگیرید».

ایثار نه تنها منطق سرور آزادگان بود بلکه همه هفتاد و دو تن که در کربلا جام شهادت نوشیدند دارای چنین منطقی بودند و در شهادت به یکدیگر سبقت می‌جستند.

پرتال جامع علوم انسانی

۳. توکل بر خدا

حسین بن علی علیه السلام برای نشان دادن چهره واقعی حکومت یزید، از مدینه بیرون رفت و در مکه سکنی گزید و با سخنانش، واقعیت این حاکم پلید را برای مردم بیان کرد؛ ولی چون قصد جانش را کردند، برای حفظ احترام خانه خدا، حجاز را به عزم عراق ترک

۱. حشر: ۹.

کرد ولی در تمام طول مسیر که از حیل و خدعه کوفیان آگاه شده بود راه خود را ادامه داد. تکیه گاه او در این مسیر خدا بود.

او با توکل بر خدا، با برپا کردن این حادثه عظیم، درس نهضت و قیام را به قاطبه مسلمانان که در آن روز در کمال بی تفاوتی به سر می بردند، تعلیم داد و سرانجام به آرزوی خود رسید. پس از نهضت حسینی، قیام های متعددی - چه از جانب خاندان بنی هاشم و چه از ناحیه دیگران - به وقوع پیوست و سرانجام ریشه حکومت بنی امیه - این شجره خبیثه - در سال ۱۳۲ هجری از جا کنده شد.

نخستین نقطه حرکت او از مدینه با توکل به خدا آغاز شد و در صبح روز عاشورا نیز که دشمن حمله را شروع کرد او به درگاه الهی روی آورد و با خدایش چنین راز و نیاز کرد:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتُلِي فِي كُلِّ حَزْبٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي نِقَّةٌ وَعِدَّةٌ...»^(۱)

«خدایا در همه پیشامدهای ناگوار تکیه گاه من تو هستی و در هر امر مشکل، امیدم به توست و تو در هر رویدادی که رخ می دهد پناهگاه و یاور من هستی.»

و در یکی از خطبه های خود در روز عاشورا فرمود:

«إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ»^(۲)

«من به خدا که پروردگار من و پروردگار شماست توکل کرده ام.»

۴. شجاعت و رشادت

یکی از خصایص خاندان رسالت، شجاعت و صلابت و اراده و قوت است. امام

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹۱.

۱. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۹۶.

سجاد علیه السلام در خطبه‌ای که در مسجد شام ایراد کرد فرمود:

«أَوْتَيْنَا الْعِلْمَ وَالْجِلْمَ وَالصَّلَابَةَ وَالشَّجَاعَةَ^(۱)».

«به ما خاندان رسالت، دانش و بردباری و بخشندگی و شجاعت داده شده است».

شجاعت حسینی در روز عاشورا، شجاعت پدر بزرگوار خود را در اذهان تجدید کرد. خبرنگار صحنه کربلا - حمید بن مسلم - در این مورد می‌گوید:

«به خدا سوگند! هیچ محاصره‌شده‌ای در انبوه مردم را ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند و همچون حسین بن علی، قویدل و استوار و شجاع باشد. دشمنان او را محاصره کرده بودند و او با شمشیر بر آنان حمله می‌آورد و همه از چپ و راست فرار می‌کردند^(۲)».

او پیش از حرکت از مکه مکرمه، در روز «ترویه» سخنرانی کرد و در مجلس سخنرانی او جمعیت زیادی از صحابه و تابعان بود و در آن‌جا فرمود:

«مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوْطِئًا عَلٰی لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا^(۳)».

«هر کس می‌خواهد خون خودش را در راه ما نثار کند و آماده لقاء الله است فردا با من کوچ کند».

۵. وفا و پای‌بندی به پیمان

عمل به پیمان و میثاق الهی و یا مردمی، از نشانه‌های مردان باایمان است. قرآن مجید درباره صفات مؤمنان چنین می‌فرماید:

۱. مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۶۹.

۲. والله ما رأیت مکسوراً قد قُتِلَ ولده و أهل بيته و أصحابه أربط جأشاً و لا أمضى جناناً منه عليه السلام.

۳. لهوف، سید بن طاووس: ۵۴، ط، ۱۳۲۲ هـ.ق.

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^(۱).

«مؤمنان کسانی هستند که به امانات مردم و پیمان خود وفادار بوده و به آن پای بند هستند».

در زندگی پیامبر گرامی ﷺ و وصی او - امیرمؤمنان علیؑ - نمونه‌های بارزی از وفای به پیمان وجود دارد هرچند عمل به آن تلخ بوده است. پیامبر گرامی ﷺ در صلح حدیبیه پیمانی با مشرکان بست که یکی از بندهای آن این بود که هر مسلمانی که از مکه فرار کند و به سوی مسلمانان بیاید پیامبر باید او را تحویل مشرکان بدهد. آن روز مصلحت ایجاب می‌کرد که پیامبر این بند را بپذیرد. پس از پذیرش، ناگهان جوانی که از مکه گریخته بود، خود را به محضر پیامبر خدا ﷺ رسانید و از او پناهندگی خواست. پیامبر فرمود: ما به این پیمان وفاداریم. تو برگرد. از سوی خدا برای تو گشایشی خواهد بود.

امیرمؤمنان علیؑ در جنگ صفین - پس از اصرار بیش از حد گروهی از یارانش بر امضای متارکه جنگ و حکمیت قرآن - تن به حکمیت داد. پس از ماجرای حکمیت، همان افراد از عمل خود پشیمان شده اصرار کردند که امام پیمان را بشکنند. فرمود: أَبْغَدَ الرِّضَا؟ آیا پس از امضای پیمان، پیمان را بشکنم؟
وفا به پیمان در تمام جوانب نهضت حسینی خود را نشان می‌دهد. او در حالی که از بی‌وفایی کوفیان سخن می‌گفت، فرمود:

«این روش، از شما کوفیان چندان ناشناخته و شگفت نیست. با پدرم و برادرم و پسر عمویم - مسلم بن عقیل - نیز همین کار را کردید»^(۲).

ولی به وفاداری یاران خود افتخار ورزید و در شب عاشورا در خطبه‌ای چنین

۱. مؤمنون: ۸.

۲. موسوعة کلمات الامام حسین علیؑ، ص ۲۷۸.

فرمود:

«فَأَنبَى لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي...»^(۱).

«من با وفاتر و بهتر از اصحابم، اصحابی را نمی‌شناسم...».

در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

«أَشْهَدُ أَنْكَ وَفَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَيْكَ الْيَقِينُ^(۲)».

«شهادت می‌دهم که تو به پیمانی که با خدا بسته بودی وفا کردی و تا رسیدن به یقین (و

شهادت) در راه او جهاد کردی.».

۶. اخلاص در عمل

رفتار انسان نشأت گرفته از عقیده و ایمان اوست. مردان مؤمن، چون خریدار کارهای آنان خداست، کار را برای او انجام می‌دهند. بر عکس آنان، افراد بی‌ایمان، چون خواهان شهرت و مقام‌اند کوشش می‌کنند که با خودنمایی، رضایت آنان را جلب کنند. یکی از پیام‌های ارزنده‌ی عاشورای حسینی اخلاص در عمل است و آن این‌که امام حسین علیه السلام هیچ انگیزه‌ای برای شهادت خود و فرزندان و یارانش و اسارت خاندانش، جز جلب رضایت خدا نداشت. به تعبیر گوینده:

| | |
|---------------------------------|---------------------------|
| یکی درد و یکی درمان پسندد | یکی وصل و یکی هجران پسندد |
| من از درمان و درد و وصل و هجران | پسندم آنچه را جانان پسندد |

۲. زیارت اربعین.

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۵.

۷. عمل به تکلیف

مردان خدا که عاشق رضای الهی هستند در کار خود بر محور تکلیف می‌گردند نه دنبال نتیجه. سرباز باید جان بر کف در میدان جهاد حاضر شده و جان‌فشانی کند چه پیروز شود و چه نشود.

یکی از آموزه‌های عاشورا، عمل به تکلیف است. امام حسین علیه السلام در قیام خود به دنبال پیروزی و کسب قدرت ظاهری نبود، او به دنبال عمل به تکلیف بود که از جد بزرگوارش به او آموزش داده شده بود.

قرآن مجید می‌فرماید: مؤمنان باید در مقابل کافران بگویند:

«...هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلاَّ اخْتَدَى الخُسْفَيْنَيْنِ...»^(۱).

«برای ما جز یکی از دو نیکی را انتظار نبرید. اگر پیروز شدیم عمل به تکلیف کرده‌ایم و اگر جام شهادت نوشیدیم نیز پیروز شده‌ایم.»

از روزی که حسین بن علی علیه السلام از مکه حرکت کرد برخی از بزرگان آن روز، او را از این سفر باز می‌داشتند و در لباس خیرخواهی، پیمان‌شکنی کوفیان را متذکر می‌شدند. امام در پاسخ آنها می‌فرمود:

«أُرْجُو أَنْ يَكُونَ خَيْرًا مَا أَرَادَ اللهُ بِنَا قَتَلْنَا أَمْ ضَلَفْنَا»^(۲).

«امیدوارم خدا برای ما خیر و نیکی را اراده کرده باشد. خواه کشته شویم خواه پیروز.»

۱. توبه: ۵۲.

۲. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۷. در تنظیم این مقاله از دو کتاب ارزشمند «موسوعة کلمات الامام الحسین» و «پیام‌های عاشورا» بهره گرفته شده است.